EI[2]; GAL, S; Mamour, P.H., *Polemics on the Origin of the Fatimi Caliphs*, London, 1934.

محمّد سیّدی

اِبْنِ شَدّاد، عزالدین ابوعبدالله محمدبن علی بن ابراهیم بن شداد انصاری حلبی (ذیحجهٔ ۶۱۳ - صفر ۶۸۴ ق/ ۱۲۱۷-۱۲۸۵م)، دبیر، وزیر و مورخ روزگار ایوبیان و مملوکان. از کودکی و نوجوانی او چیز بسیاری دانسته نیست. از آغاز جوانی به کارهای دیوانی پرداخت. نخستین سمت وی نظارت بر امر گردآوری مالیات در حرّان بود که در ۶۴۰ ق از سوی سلطان صلاح‌الدین یوسف برعهدهٔ او نهاده شد. سپس در دستگاه ملک ناصر ایّوبی، فرمانروای دمشق، تقرب یافت و در ۶۵۷ ق از سوی او به سفارت نزد مغولان به میافارقین رفت که از آن نتیجه‌ای گرفته نشد و ملک ناصر ناگزیر گردید خانوادهٔ خود را به سرپرستی او از دمشق به حلب بفرستد تا از حملهٔ مهاجمان در امان باشند، ولی در آنجا خبر تهاجم مغولان به شمال بین‌النهرین و قتل و غارت آن دیار به ایشان رسید و چون مغولان به حلب نزدیک شدند، ابن‌شدّاد و دیگر مردم از شهر گریختند. ابن‌شدّاد به مصر روی آورد و در دستگاه ملک ظاهر بَیْبَرس و ملک منصور قلاوون جای گرفت و در دربار این دو سلطان مال و مکنت و جاه و مقام یافت تا آنجا که با عنوان «المولی الصاحب المشیر الرئیس» از او یاد کرده‌اند (دهان، ۲۳؛

کراچکوفسکی، ۳۶۹/۱؛ ابن‌شاکر، ۴۱۴). وی به یاری دستیاران بسیاری که در خدمتش بودند، در انجام دادن تقاضاهای مردم تسریع می‌کرد (صفدی، ۴/۲)، از این رو، در منابع ما از او به نیکنامی یاد شده است (یافعی، ۲۰۱/۴؛ ابن فرات، ۳۳/۸).

ابن‌شدّاد در ۶۷۶ ق همراه ملک ظاهر به دمشق رفت و چون ملک در همین سال در این شهر درگذشت، فرزندش، ملک سعید، ابن‌شدّاد را به خود نزدیک ساخت و فرزندان او نیز در بزرگداشت وی از هیچ کوششی دریغ نداشتند و از دانش و حکمت و تجربهٔ او سود می‌جستند (نک: دهان، همانجا).

گفته‌اند که چون ابن‌شدّاد در دوران آشوب‌زدهٔ یورش مغولان از شرق و هجوم صلیبیان از غرب بر سرزمینهای اسلامی می‌زیسته و شاهد حوادث ناگوار و نابودی شهرها بوده، شدیداً به تاریخ و جغرافیا علاقمند گردیده است و به گفتهٔ برخی دیگر وی در پی مشاهدهٔ همین رویدادها بر آن شده که آثاری برای عبرت دیگران تألیف کند. مناصب دیوانی، مصاحبت با امیران و بزرگان و مأموریتهای سیاسی که نتیجهٔ آنها آگاهی وی از امور مملکتی و خفایای رویدادهای جهان اسلام بود، این شایستگی و توانایی را به وی بخشیده بود که بدین کار دست یازد (بستانی، ۲۵۵/۳). قابل ذکر است که آشنایی وی به مسائل اجتماعی و واقعیات اقتصادی و وقایع نظامی و جنگی سبب غنای آثار او شده است. از سوی دیگر آشنایی او به ادب و لغت عرب نیز سبب شده تا آثارش به سبک مترسلان قرنهای ۵و۶ق/ ۱۱ و ۱۲م و آکنده از صنایع ... جزئیات، متأثر از سبک ابن

دیوانی، مصاحبت با امیران و بزرگان و ... آنها آگاهی وی از امور مملکتی و خفایای رویدادهای جهان اسلام بود، این شایستگی و توانایی را به وی بخشیده بود که بدین کار دست یازد (بستانی، ۲۵۵/۳). قابل ذکر است که آشنایی وی به مسائل اجتماعی و واقعیات اقتصادی و وقایع نظامی و جنگی سبب غنای آثار او شده است. از سوی دیگر آشنایی او به ادب و لغت عرب نیز سبب شده تا آثارش به سبک مترسلان قرنهای ۵و۶ ق/ ۱۱ و ۱۲م و آکنده از صنایع ادبی و ظرافتهای بدیعی شود که جز در جزئیات، متأثر از سبک ابن عدیم و ابن عساکر است، هر چند که در شیوهٔ تفکر و زندگی بیشتر متأثر از بهاءالدین ابن حنای وزیر بوده است (عباره، ۳(۱)/ ۲۵-۲۶؛ دهان، ۱۶). وی افزون بر دانش تاریخ با دیوانهای شاعران نیز آشنایی داشته و از آنان اشعار بسیاری در آثار خود آورده و بدین طریق این اشعار را از نابودی رهانیده است.

آثار: ابن‌شدّاد پس از اقامت در مصر غالب عمر خود را در کار تألیف سپری کرد و چندین کتاب از خود بر جای نهاد که برخی از آنها از میان رفته و برخی دیگر در سالهای اخیر تصحیح و چاپ شده است. با آنکه وی از علوم قرآنی، حدیث، لغت عرب و علوم و آداب آن آگاهی کامل داشته است (عباره، ۳(۱)/۲۴)، در میان آثار او هیچ کتابی در این موضوعات دیده نمی‌شود. مهم‌ترین تألیفات وی اینهاست:

۱. *الاعلاق الخطیرة فی ذکر امراء الشام والجزیرة*، که در سه بخش در فاصلهٔ سالهای ۶۷۱ تا ۶۸۲ ق نوشته شده است (EI[2]). بخش اول، حلب به کوشش دومینیک سوردل با مقدمه‌ای به زبان فرانسه در ۱۹۵۳م در دمشق چاپ شده و بار دیگر در ۱۹۵۷م در بیروت نشر یافته است؛ بخش دوم، تاریخ مدینة دمشق مشتمل بر دو قسم به کوشش سامی دهان در ۱۳۷۷ق/ ۱۹۵۶م در دمشق چاپ شده است؛ بخش

---

1. Mamou

سوم، *الجزیرة* مشتمل بر دو قسم به کوشش یحیی عبّاره در ۱۹۷۸م در دمشق چاپ شده است. کتاب *الاعلاق الخطیرة*، یا *خطیرة* چنانکه بروکلمان (GAL, S, I/634) ضبط کرده است، نه فقط از اهم کتابهای ابن‌شدّاد، که از مهم‌ترین منابع تاریخ و جغرافیای سرزمینهای شمالی اسلام در قرن ۷ ق/ ۱۳م است و برخلاف آنچه از نامش برمی‌آید، تنها به ذکر امیران دو منطقهٔ جزیره و شام نپرداخته، بلکه حاوی نکات تاریخی و جغرافیایی بسیاری است که اختصاص به امرا ندارد (کراچکوفسکی، ۱/ ۳۷۰).

۲. *جنی الجنّتین فی اخبار الدولتین*، که خود ابن شداد در کتاب *الاعلاق الخطیرة* (چ ۱۹۷۸ م، ۳(۲)/۴۵۹) به آن اشاره کرده و در آن از سلطان جلال‌الدین نیز نام برده است.

۳. *الروض الزّاهر فی سیرة الملک الظاهر*، که خود ابن شداد در کتاب *الاعلاق* (چ ۱۹۷۸ م، ۳ (۱)/۱۲۳) از آن نام برده و نوشته است که این کتاب را بر ترتیب سنوات مرتب کرده بوده است. این کتاب در زمان ملک ظاهر یعنی پیش از ۶۷۶ ق تدوین شده و یک نسخه از آن به خط خود مؤلف در کتابخانهٔ شهر ادرنه موجود است (دهان، ۱۸ـ ۱۹).

۴. *القُرعة الشدادیة الحمیریة*، که *تحفة الزمن فی طُرَف اهل الیمن* هم نام دارد و به گفتهٔ بروکلمان (,GAL, S، همانجا) نسخه‌ای از آن در هند مضبوط است (قس: بانکیپور، I/190). این عنوان سبب شده است که برخی از مؤلفان اصل قبیلهٔ بنی شداد را از یمن بدانند (دهان، همانجا).

۵. *سیرة الملک الظاهر بَیْبَرس*، که نسخه‌ای خطی از آن در حلب موجود است (نک: کمال، ۱۲۹؛ عمر، ۸۱).

۶. *برق الشام فی محاسن اقلیم الشام*، که ورهووه (VII/42) و بروکلمان (GAL, S, I/883) از آن یاد کرده‌اند.

۷. *کروم التهانی لتفسیر السبع المثانی* (بغدادی، *ایضاح*، ۲/۳۵۲).

۸. *الدرّة الخطیرة فی اسماء الشام والجزیرة* (بغدادی، *هدیه*،

الخطیرة (چ ۱۹۷۸ م، ۱(۱)/۲۵۶) به آن اشاره کرده و در آن از سلطان جلال‌الدین نیز نام برده است.

۳. *الروض الزّاهر فی سیرة الملک الظاهر*، که خود ابن شداد در کتاب *الاعلاق* (چ ۱۹۷۸ م، ۳ (۱)/۱۲۳) از آن نام برده و نوشته است که این کتاب را بر ترتیب سنوات مرتب کرده بوده است. این کتاب در زمان ملک ظاهر یعنی پیش از ۶۷۶ ق تدوین شده و یک نسخه از آن به خط خود مؤلف در کتابخانهٔ شهر ادرنه موجود است (دهان، ۱۸ ـ ۱۹).

۴. *القُرعة الشدادیة الحمیریة*، که *تحفة الزمن فی طُرَف اهل الیمن* هم نام دارد و به گفتهٔ بروکلمان (,GAL, S، همانجا) نسخه‌ای از آن در هند مضبوط است (قس: بانکیپور، I/190). این عنوان سبب شده است که برخی از مؤلفان اصل قبیلهٔ بنی شداد را از یمن بدانند (دهان، همانجا).

۵. *سیرة الملک الظاهر بَیْبَرس*، که نسخه‌ای خطی از آن در حلب موجود است (نک: کمال، ۱۲۹؛ عمر، ۸۱).

۶. *برق الشام فی محاسن اقلیم الشام*، که ورهووه (VII/42) و بروکلمان (GAL, S, I/883) از آن یاد کرده‌اند.

۷. *کروم التهانی لتفسیر السبع المثانی* (بغدادی، *ایضاح*، ۳۵۲/۲).

۸. *الدرّة الخطیرة فی اسماء الشام والجزیرة* (بغدادی، *هدیه*، ۱۳۴/۲).

کسانی که از ابن شداد نقل کرده‌اند، انگشت شمارند. ابوالفضل محمد بن شحنه در *الدُرالمُنتخب فی تاریخ مملکة حلب* چند جا از او نقل کرده است (صص ۱۵، ۱۶، ۱۸، جم) و فرانتس روزنتال (ص ۲۳۴) تأکید دارد که ابن شحنه کتاب *الدُر المنتخب* را با اعتماد بر موادی از کتاب ابن شداد و مورخان حلبی دیگر تدوین کرده است. خود ابن شحنه (صص ۷، ۱۲) پس از بیان سبب تألیف کتابش می‌گوید: از امام العلامه شمس‌الدین... ابن شداد کتابی دیدم و علاقه‌مند شدم تا ذیلی مختصر و مفید بر تاریخ ابن عدیم بنویسم... و در تبویب کتاب از روش ابن شداد پیروی کردم. نعیمی نیز در کتاب *الدارس فی تاریخ المدارس* چندین بار از ابن شداد نقل کرده است (۱۵۲/۱، ۱۵۸، ۱۶۷، جم) و بالاخره ابن طولون در *القلائد الجوهریة فی تاریخ الصالحیة* دوبار از ابن شداد نقل قول کرده است (۲۵۰/۱، ۳۶۸).

مؤلفان متأخر بر ابن شداد، چندان عنایتی به آثار او نشان نداده‌اند.

بازشناخته و اشتباهات پیش
(۳۶۹/۱).

مآخذ: ابن شاکر کتبی، محمد،
ابن شحنه، محمد، *الدر المنتخب فی*
بیروت، ۱۹۰۹ م؛ ابن شداد، محم
والجزیرة، بخش تاریخ مدینة دمشق،
همان، به کوشش یحیی عباره، دمشق
تاریخ الصالحیة، به کوشش محمد
محمد، *تاریخ ابن الفرات*، به کوشش
بستانی؛ بغدادی *ایضاح*؛ همو،
الاعلاق الخطیرة (نک: ابن شداد
المسلمین، ترجمهٔ صالح احمد الع
بالوفیات، به کوشش هلموت ریتر
الاعلاق الخطیرة (نک: ابن شداد
المصورة فی مکتبة معهد الت
کراچکوفسکی، ایگناتی، *تاریخ*
هاشم، مسکو، ۱۹۵۷ م؛ کمال،
التراث العلمی العراقی، حلب،
المدارس، به کوشش جعفر الحس
مرآة الجنان، حیدرآباد، ۱۳۳۷

اِبْنِ شَدْقَم، ابوالمکا
علی‌بن شدقم حسینی، مورّخ
۱۰ ق/ ۱۶ م. آقابزرگ به ن
ابن علی، تاریخ تولد و وفا
ذکر می‌کند (*طبقات*، ۵۲)،
۹۹۹ ق نیز یاد کرده‌اند (امیر
وفاتش را ۱۰۴۶ آورده اس
او را با قید کلمهٔ «ظاهراً»
اجازه‌نامه‌هایی که از سوی
است که ابن شدقم شیعی
طبقات، ۵۳؛ افندی، ۳۶/۱
اطلاق می‌شده است (همو،
آنجا پرورش یافت؛ از پد

ظاهراً سبب این بی‌عنایتی آن بوده است که او را با بهاءالدین یوسف ابن رافع اشتباه گرفته‌اند. به نظر می‌رسد که منشأ این اشتباه علاوه بر شهرت آن دو به ابن شداد، این باشد که هردو در حلب نشو و نما یافته و هر دو به تألیف سِیَر ملوک پرداخته‌اند. شاید حاجی خلیفه با نسبت دادن کتاب *الاعلاق الخطیرة*... به ابن شداد یوسف بن رافع حلبی (۱۲۵/۱) نخستین کسی باشد که در این مورد دچار اشتباه شده و اشتباه او به آثار نویسندگان بعدی از عرب و فرنگی راه یافته است، تا آنجا که او را به کلی نادیده گرفته و در هیچ‌جا چنانکه باید نامی از او نبرده‌اند (دهان، ۱۳ ـ ۱۴)، امّا مؤلفان متأخرتر آن دو را از یکدیگر بازشناخته و اشتباهات پیش آمده را تصحیح کرده‌اند (کراچکوفسکی، ۳۶۹/۱).

مآخذ: ابن شاکر کتبی، محمد، *عیون التواریخ*، نسخهٔ عکسی موجود در کتابخانهٔ مرکز؛ ابن شحنه، محمد، *الدر المنتخب فی تاریخ مملکة حلب*، به کوشش یوسف الیان سرکیس، بیروت، ۱۹۰۹ م؛ ابن شداد، محمد بن علی، *الاعلاق الخطیرة فی ذکر امراء الشام والجزیرة*، بخش تاریخ مدینة دمشق، به کوشش سامی الدهان، دمشق، ۱۳۷۷ ق/۱۹۵۶ م؛ همان، به کوشش یحیی عباره، دمشق، ۱۹۷۸ م؛ ابن طولون، محمد، *القلائد الجوهریة فی تاریخ الصالحیة*، به کوشش محمد احمد دهان، دمشق، ۱۴۰۱ ق/۱۹۸۰ م؛ ابن فرات، محمد، *تاریخ ابن الفرات*، به کوشش قسطنطین زریق و نجلا عزالدین، بیروت، ۱۹۳۹ م؛ بستانی ؛ بغدادی *ایضاح*؛ همو، *هدیه* ؛ حاجی خلیفه، *کشف* ؛ دهان، سامی، مقدمه بر *الاعلاق الخطیرة* (نک: ابن شداد در همین مآخذ)؛ روزنتال، فرانتس، *علم التاریخ عند المسلمین*، ترجمهٔ صالح احمد العلی، بغداد، ۱۹۶۳ م؛ صفدی، خلیل بن ایبک، *الوافی بالوفیات*، به کوشش هلموت ریتر، بیروت، ۱۳۸۱ ق/ ۱۹۶۱ م؛ عباره، یحیی، مقدمه بر *الاعلاق الخطیرة* (نک: ابن شداد در همین مآخذ)؛ عمر، محمد عزت، *فهرس المخطوطات المصورة فی مکتبة معهد التراث العلمی العربی*، حلب، ۱۴۰۶ ق/۱۹۸۶ م؛ کراچکوفسکی، ایگناتی، *تاریخ الادب الجغرافی العربی*، ترجمهٔ صلاح‌الدین عثمان هاشم، مسکو، ۱۹۵۷ م؛ کمال، محمد، *فهرس المخطوطات المودعة فی خزانة معهد التراث العلمی العراقی*، حلب، ۱۴۰۰ ق/۱۹۸۰ م؛ نعیمی، عبدالقادر، *الدارس فی تاریخ المدارس*، به کوشش جعفر الحسنی، دمشق، ۱۳۶۷ ق/۱۹۴۸ م؛ یافعی، عبدالله بن اسعد، *مرآة الجنان*، حیدرآباد، ۱۳۳۷ ـ ۱۳۳۹ ق؛ نیز:
Bankipore; EI²; GAL, S; *Voorhoeve*.

عبدالمحمد روح بخشان